

ویداد خلاف مرغوب و منافی مطلوب آن حضرت بود و مع هذا از آن جانب امری که محرک و ملهمه جنبان ملاقات باشد بظهور نپیوسته لا جرم خدیو دقایق شناس دانش آئین باوجود این مراتب و مقدمات بادی ملازمت شدن را بی لطف دانسته بحکم تقاضای حال ترک آن عزیمت که قبل ازین مرکوز خاطر قدمی شیم بود نمودند و چون در خلال این احوال خبر توقف دارا بی شکوه در دهلی و مراتب فتنه مگالی او چنانچه سمت گذارش یافت بمصاحف جاه و جلال رسید و دفع مادی شورش و فساد و قطع ریشه خصومت و عنادش بر ذمه همت علیا لازم بود و تهاون و تاخیر در آن خلاف آئین رای و تدبیر مینمود کفایت شر آن بد اندیش وجه عزیمت جهان کشا ساختند *

نهضت موکب مسعود از مستقر سلطنت خدا داد بصوب دار الخلافه شاه جهان آباد و شرح موانع دیگر چون رای عالم آرای و همت مملکت پیروی حضرت شاهنشاهی باقتضای مصلحت دولت و اقبال عازم این نهضت همایون فال گشت بر خاطر ملکوت ناظر چنین پرتوانگند که مهین شعبه دوحه جاه و جلال گزین باره نهال حشمت و کمال بادشاهزاده عالیقدر محمد سلطان را با جمعی از جنود قاهره در مستقر الخلافه اکبر آباد گذاشته خود با بقیه مواکب گردون شکوه متوجه مقصد کردند لجرم آن و الا نزار را بنظم امور آن مقر اورنگ خلافت معین ساخته بمرحمت خنجر مرمع با علاقه مروارید و دوزنجیر

فیل و دو اسب عربی و شصت اسب ترکی و انعام دولک روپیه
 نواختند و اسلام خانرا بخدمت اتالیقی آن نهال گلشن دولت
 و فاضلخان را بجهت خدمت اعلیٰ حضرت و پرداخت مهمات
 بیوتات و رتق و فتق امور کلخانجات سرکار خاصه شریفه که اکثر
 در آن مرکز حشمت بود و ذوالفقار خان را بحراست قلعه مبارک
 مقرر نمودند و تقریبا آنرا که در معالجه حضرت اعلیٰ معالی
 جمیله و تدابیر لایقه بظهور رسانیده بمزاج اشرف اعلیٰ شده بود حکم
 فرمودند که در خدمت آن حضرت بوده بعلاج بغیة کوفت و تدبیر
 صحت مزاج مقدس قیام نماید و او را بعنایت خلعت خاص و
 جمدهر مرصع باعلاقه مروارید و انعام سه هزار اشرفی کامیاب مراحم
 بادشانه گردانیدند و بیست و دوم ماه مبارک رمضان فتح و ظفر
 همکاب و نصرت و اقبال هم عنان بعزم دار الخلفه شاه جهان آباد
 از مستقر مریر سلطنت ابدی بنیاد نهضت نموده موضع بهادر پور
 را از انوار فیض نزول فروغ میمنت بخشیدند و درین روز نوگل
 حدیقه سلطنت تازه نهال گلشن عظمت بادشاه زاده ارجمند عالی
 تبار ستوده شیم محمد اعظم بر موجب فرمان خدیو جهان بخدمت
 جد امجد والا مکان شتافته باحراز شرف ملازمت آن حضرت سرمایه
 دولت و سعادت برگرفتند و پانصد مهر و چهار هزار روپیه بطریق
 نذر گذرانیدند حضرت اعلیٰ بدیدار قره باصره دولت و کامرانی مسرت
 و شادمانی اندوخته آن ثمره الفواد سلطنت و جهانبانی را در آغوش
 عاطفت و مهربانی کشیدند و بانواع عنایات و مراحم نوازش نموده
 رخصت معارفت بخشیدند و دو روز دیگر آنجا مقام شده بیست